[خطبه‌ی اول 3](#_Toc458499965)

[دوران زندگانی حضرت ابراهیم7 در قرآن کریم 3](#_Toc458499966)

[1. داستان زندگی حضرت ابراهیم7 در سوره‌های قرآن کریم 4](#_Toc458499967)

[2. مقدم بودن احتجاجات و شکستن بت‌ها بر سوزاندن ابراهیم7 4](#_Toc458499968)

[3. ترتب زمانی اقدامات حضرت ابراهیم7 5](#_Toc458499969)

[سیر عملی ابراهیم7 در برابر مشرکین در قرآن کریم 5](#_Toc458499970)

[1. تنبه و آگاهی دادن به مشرکین توسط ابراهیم خلیل7 6](#_Toc458499971)

[2. اقدام عملی حضرت ابراهیم7 6](#_Toc458499972)

[أ‌. تنها ماندن ابراهیم7 در شهر. 7](#_Toc458499974)

[ب‌. حرکت به سمت بت‌خانه‌ی مرکزی و سوال و جواب با بت‌ها 8](#_Toc458499975)

[ت‌. برگشتن مردم از مراسم عید و دستگیری ابراهیم7 9](#_Toc458499976)

[4. همراهی مردم با حکومت، در سوزاندن ابراهیم7 9](#_Toc458499977)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc458499978)

[1. شهادت نواب صفوی و یاران 11](#_Toc458499979)

[أ‌. توجیه دینی اقدام عملی نواب. 11](#_Toc458499980)

[ب‌. استقبال نواب و یاران از شهادت با روی گشاده 12](#_Toc458499981)

[ت‌. اهمیت زنده نگه‌داشتن حس دینی در جامعه 12](#_Toc458499982)

[ث‌. مردم، اصل اولی در زنده نگه‌داشتن حس دینی 13](#_Toc458499983)

[2. طرح اکرام کمیته‌ی امداد 13](#_Toc458499984)

[**دعا** 14](#_Toc458499985)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## دوران زندگانی حضرت ابراهیم7 در قرآن کریم

در این خطبه به بحث حضرت ابراهیم در قرآن برمی‌گردیم. در چند خطبه، بحث ما پیرامون شخصیت والا و عظیم الشان ابراهیم خلیل‌الرحمن و این پیامبر بزرگوار، که از پیامبران اولوالعزم هست اختصاص پیدا کرد. این جلسه نیز به قسمت دیگری از زندگانی ابراهیم خلیل‌الرحمن، اشاره خواهیم کرد. ما در مجموع خطبه‌هایی که درباره‌ی حضرت ابراهیم بحث کردیم، اولاً به نوع تولد حضرت ابراهیم و عظمت ایشان در تاریخ بشریت و توجهی که قرآن کریم به این پیامبر بزرگوار دارد، اشاره کردیم و مقداری هم در باب احتجاجات و مناظره‌هایی که حضرت ابراهیم با بت‌پرستان و ستاره و ماه و خورشیدپرستان داشتند، از آیات قرآن و از چهار سوره‌ از سور قرآن، آیاتی را انتخاب کردیم و احتجاج و مناظره‌ِی حضرت ابراهیم را در حدی که در این خطبه‌ها ممکن بود، مباحثی را عرض کردیم. چند فصل و بخش از زندگی حضرت ابراهیم بود که صحبت کردیم. اول خانواده، بعد تولد ایشان و بعد هم آمدن ایشان به میان جامعه، بعد مناظرات و مباحثی که با مشرکین و بت‌پرستان داشتند، قسمت‌هایی از زندگی نورانی حضرت ابراهیم بود.

بخش دیگری از زندگی حضرت ابراهیم که در قرآن مورد تأکید و مورداشاره قرارگرفته است، جریان و داستان به آتش افکند حضرت ابراهیم و به دنبال آن مناظرات و احتجاجات هست. این بخش دیگری از زندگی حضرت ابراهیم است. این بخش از زندگی را شنیده‌اید که از داستان‌های مشهور در داستان انبیاء است که ایشان را به آتش افکندند و با اراده و امر خداوند، آتش ابراهیم را نسوزاند. این اجمال یک قسمت دیگر از زندگی حضرت ابراهیم هست. در این خطبه بحث بنده، اشاره‌ای به همین قسمت از آیات قرآن است که درباره‌ی این بخش از زندگی ایشان نازل شده، خواهم داشت. این قسمت از داستان حضرت ابراهیم که از داستان‌های بسیار آموزنده و از معجزات بزرگ الهی در تاریخ انبیاست، در چند جای قرآن کریم مورداشاره قرارگرفته است و بخصوص به صورت مفصل در دو سوره‌ی قرآن کریم این فصل و قسمت از زندگی حضرت ابراهیم، آیاتی نازل شده است که به بخشی از آن‌ها در این خطبه اشاره می‌کنم. بنابراین بحث ما بعد از این که چند فصل از زندگی حضرت ابراهیم را بیان کردیم، به این قسمت به آتش افکندن این پیامبر بت‌شکن و قهرمان توحید و قضایای مربوط به این بخش از زندگی ایشان خواهیم پرداخت.

### داستان زندگی حضرت ابراهیم7 در سوره‌های قرآن کریم

این دو سوره، یکی سوره‌ی صافات و دیگری سوره‌ی انبیا هست. در این دو سوره‌ آیاتی به جریان به آتش افکند حضرت ابراهیم اشاره دارد. در سوره‌ی انبیاء، از حدود آیات 60 و در سوره‌ی صافات حدود آیات 70 به بعد به این فصل از زندگی حضرت اشاره دارد. یک بخش خیلی مهم و پرجاذبه از داستان انبیاء و قصه‌ی زندگانی حضرت ابراهیم است و قرآن کریم هم این قسمت را حداقل در این دو سوره، مفصل آیاتی را در شان حضرت ابراهیم و این بخش زندگی ایشان نازل کرده است. البته در جای دیگر هم اشاراتی در قرآن کریم هست. عمدتاً این بخش از زندگی ابراهیم در دو سوره‌ی صافات و سوره‌ی انبیاء ذکرشده است. نسبتاً هم مفصل ذکرشده؛ یعنی در چند آیه، در سوره‌ی صافات و چند آیه در سوره‌ی انبیاء، به آتش افکندن ابراهیم، اختصاص داده‌شده است. همین نشان می‌دهد که از منظر قرآن، این قسمت از زندگی حضرت ابراهیم، یک داستان آموزنده و ماندگار برای بشریت است. این تأکیدی که قرآن به این بخش از زندگی ابراهیم خلیل‌الرحمن دارد.

### مقدم بودن احتجاجات و شکستن بت‌ها بر سوزاندن ابراهیم7

اولاً به این نکته باید توجه داشت که هم سوره‌ی انبیاء و هم سوره‌ی صافات، نشان می‌دهد که این داستان بعد از مناظرات و احتجاجات و بعد از شکستن بت‌ها توسط ابراهیم خلیل انجام‌شده است. یعنی زندگی ابراهیم به این شکل بوده است که ایشان که از آب یا جنگل بیرون آمدند و وارد آن محیط شدند که تحمل بت‌پرستی را نداشتند. رسالت الهی بر دوش ایشان بود که در برابر انحراف و خطای جامعه و رواج کفر و الحاد و شرک، مقاومت ‌کند و پیام توحید را ابلاغ ‌کند. مردم را به خداشناسی و خداپرستی دعوت کند. این رسالت خدایی بود که بر دوش ابراهیم گذاشته‌شده بود و بنابراین بود و از سوی خدا مقررشده بود که یک‌تنه، سقف کفر و شرک را مورد هجوم قرار بدهد و وارد عرصه‌ی مبارزه‌ی با کفر و الحاد و شرک شود. این رسالت الهی بود که بر دوش او قرار داده‌شده بود.

### ترتب زمانی اقدامات حضرت ابراهیم7

حضرت ابراهیم وقتی وارد صحنه‌ی جامعه شد، اولاً در طول چند مدت، دقیق این مدت زمانی معلوم نیست، قطعاً در حوادث مختلف و در شرایط مختلف، ایشان به بحث و مناظره در باب خداشناسی پرداخته است. آیات قرآن در چهار پنج سوره، به آن مناظرات اشاره داشت که ما به بخشی از آن آیات در دو سه خطبه اشاره کردیم. آن آیات نشان می‌داد که ایشان در طی این مدت، هم در درون خانه‌ی خود و هم در دربار پادشاه عصر خود و هم در میان جامعه، در برابر اقوام و ملل و نحل مختلف در برابر مشرکان و بت‌پرستان، در برابر ستاره‌پرستان، در مواضع مختلف، اهل بحث و مناظره بودند. قاعدتاً مدتی از عمر شریف این پیامبر بزرگ الهی، پیامبری که همه‌ی انبیاء بعد از ایشان و هر سه دین بزرگ توحیدی بعد از ایشان به ابراهیم منتهی می‌شود، در طول یک مدت به مناظره می‌پرداخته است. این یک بخش است.

اقدامات **عملی** در ادیان بزرگ الهی

بعد از آن که مدتی گذشت و کم‌تر این بحث‌های منطقی، استدلال‌ها و احتجاجات اثر زیادی نداشت، ابراهیم تصمیم گرفت وارد اقدام عملی شود. این در ادیان الهی وجود داشته و در شریعت و سنت و سیره‌ِی پیامبر اکرم اسلام6 ما هم وجود داشته است که در برابر انحراف جامعه، به منطق و استدلال و احتجاج متوسل می‌شدند؛ اما در مواردی هم با امر و فرمان خدا، اقدام عملی داشتند. کسی نمی‌تواند بگوید اقدام عملی در برابر کفر، در ادیان الهی نیست. قطعاً بعد از مناظرات، به تناسب روشی که خدای بزرگ تعین کرده و می‌تواند مؤثر باشد و جامعه را بیدار کند، به عمل هم‌دست می‌زدند و اقدام عملی داشتند. ابراهیم بعد از دوره‌ای از بحث و مناظرات با منحرفان و مشرکان، از این نوع برخورد با کفر و الحاد، وارد برخورد عملی شدند. این در قرآن هم به‌خوبی مشاهده می‌کنیم که ابراهیم، بعد از دوره‌ی اول، وارد اقدام عملی شد و به دنبال آن اقدام عملی که انجام داد و قرآن نشان می‌دهد که حضرت ابراهیم وارد بت‌خانه شد و بت‌ها را شکست و عملاً علیه بت‌ها و معبودان باطل، اقدام کرد. بعد از این جریان حکومت زمان خود و مردم مشرک، علیه حضرت ابراهیم اقدام کردند. این سه مرحله به صورت ترتب زمانی واقع شد. اولین مرحله حضرت ابراهیم در برابر شرک، با مردم بحث و مناظره کرد.

## سیر عملی ابراهیم7 در برابر مشرکین در قرآن کریم

وقتی که مدتی سپری شد و بیشتر مردم متنبه نشدند، ابراهیم برای این که آن‌ها را متنبه کند،‌اقدام عملی انجام داد. به دنبال آن اقدام عملی، جریان به آتش افکندن ایشان اتفاق افتاد. این مقدمه‌ی سیر زمانی، برخورد حضرت ابراهیم با بت‌پرستی و انحراف است و بعد هم اقدام عملی ایشان و سپس اقدام حکومت جبار عصر خود و بت‌پرستان علیه ابراهیم خلیل‌الرحمن است. در سوره‌ی انبیاء این سیر نشان داده‌شده است.

### تنبه و آگاهی دادن به مشرکین توسط ابراهیم خلیل7

در سوره‌ی انبیاء، از آیه‌ی 52 به بعد، بعد از این که فرمود: (**وَ لَقَدْ آتَيْنا إِبْراهيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عالِمين‏‏‏‏**‏)[[4]](#footnote-4) ما به ابراهیم رشد فکری و معنوی دادیم و به خاطر داشتن رشد الهی و رسالت الهی، ابراهیم در برابر خانواده و قوم خود ایستاد و فرمود: (**إِذْ قالَ لِأَبيهِ وَ قَوْمِهِ ما هذِهِ التَّماثيلُ الَّتي‏ أَنْتُمْ لَها عاكِفُون‏‏‏‏**‏)[[5]](#footnote-5) این مجسمه‌ها چیست که شما در برابر آن‌ها عبادت می‌کنید؟ منطقی همراه این عبادت دروغین شما نیست و بت‌پرستی شما هم مثل ستاره‌پرستی بی‌پایه و اساس و بی‌منطق است. این را فرمودند و در ادامه هم آیاتی هست که خواندم. به‌هرحال حضرت ابراهیم فرمودند: همان‌طور که ستاره‌ها قابلیت پرستش را نداشتند، بت‌ها نیز قابلیت پرستش نیستند. (**قالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الَّذي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلى‏ ذلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدين‏‏‏**‏)[[6]](#footnote-6) این‌ها خدایان شما نیستند. این‌ها در سطحی نیستند که بشود به آن‌ها دل بست و آن‌ها را ستایش کرد و از آن‌ها استعانت کرد.این‌ها موجوداتی بی‌ارزش و بی‌مقداری هستند. به کدام سمت می‌روید؟ خدای شما کسی است که این آسمان و زمین را آفرید. خدایی که ستاره‌ها و خورشیدی که به‌قدرت او پدید آمد. خدایی که سنگ و چوب بت‌ها هم از قدرت او ناشی شده است. آن خدای عظیم است نه این موجودات ناچیز و بی‌مقدار. ارزش انسان آن قدر بالاست که فقط در برابر خدا می‌تواند سر به سجده بگذارد. هیچ‌چیز و کس دیگری شایستگی معبودیت انسان را ندارد. (**قالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الَّذي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلى‏ ذلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدين‏‏‏**‏)[[7]](#footnote-7) من شهادت می‌دهدم خدای ما خالقی است که این جهان را آفرید. بعد از مدتی است که مناظره و بحث کرده است و آن‌ها نتوانستند بیدار شوند.

### اقدام عملی حضرت ابراهیم7

 اینجا ابراهیم وارد اقدام عملی در برابر بت‌پرستی می‌شود. آن هم اقدام حکیمانه‌ای که در درون آن عمل، استدلال وجود دارد. بعد می‌فرماید:(**وَ تَاللَّهِ لَأَكيدَنَّ أَصْنامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرين‏‏**‏)[[8]](#footnote-8) به خدا سوگند که در غیاب شما، بت‌های شما را در هم می‌کوبم. این سنگ و چوب‌های تراشیده‌ی دست شما، که شما را به انحراف کشانده است. من آن‌ها را درهم خواهم کوبید و خواهم شکست.

**ابراهیم و نوح، پدران انبیاء الهی**

در سوره‌ی صافات هم این طور می‌فرماید: (**وَ إِنَّ مِنْ شيعَتِهِ لَإِبْراهيم‏\* ‏‏إِذْ جاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَليم**‏)[[9]](#footnote-9) از پیروان نوح، ابراهیم است. این دو پیامبر، پدر انبیاء هستند. در روایت هم آمده است که این دو پیامبر، پدر انبیاء هستند. در مورد حضرت آدم می‌فرمایند ابوالبشر است و دومین پدر بشر، حضرت نوح است؛ علت آن هم این است که در حادثه‌ی طوفان نوح، همه‌ی بشر از بین رفتند و عمدتاً چیزی که باقی ماند، از نسل حضرت نوح است. در مورد حضرت ابراهیم هم که تعبیری وجود دارد این است که پدر انبیاست. عمده‌ِی پیامبران بعد از حضرت ابراهیم، از نسل ایشان هستند. حضرت ابراهیم، هزار و اندی سال بعد از حضرت نوح بود و بعد از 2000 سال قبل از پیامبر اکرم است. در این دو هزار سال، انبیاء الهی که آمدند، عمدتاً از سلاله‌ی حضرت ابراهیم هستند. بخصوص سه پیامبر بزرگوار بشریت و اولوالعزم حضرت موسی و حضرت موسی8 و پیامبر اکرم، این‌ها در طول 2000 سال از نسل حضرت ابراهیم بر خواسته‌اند. به‌هرحال، بعد از حضرت نوح، پیامبری که از پیامبران اولوالعزم هست بعد از چند قرن، حضرت ابراهیم است. قرآن کریم هم در سوره‌ی صافات، که آیات خیلی کوتاه و باظرافت ادبی فوق‌العاده‌ای دارد، می‌فرماید از پیروان حضرت نوح، ابراهیم بود.

ابراهیمی که (**إِذْ جاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَليم‏**‏)[[10]](#footnote-10) قلب پاک و منزه از شرک و آلودگی را در محضر خدا حاضر کرد؛ (**إِذْ قالَ لِأَبيهِ وَ قَوْمِهِ ماذا تَعْبُدُون‏**‏)[[11]](#footnote-11) به پدر و سرپرست و قوم خود گفت: (**ماذا تَعْبُدُون‏**‏) این‌ها چیست که می‌پرستید؟ (**أَ إِفْكاً آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُريدُون‏**‏)[[12]](#footnote-12) شما از روی ظلم، خدایان دروغین ساختید و آن‌ها را می‌پرستید و آن‌ها را می‌خوانید؟ (**فَما ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعالَمين‏**‏)[[13]](#footnote-13) شما انحراف ایجاد می‌کنید. آنچه همه‌ی عالم به دست اوست، خدای عالم و رب‌العالمین هست. این‌ها استدلال‌ها و مناظرات حضرت ابراهیم است که در چهار سوره‌ای که اشاره کردیم به صورت مفصل و در چند سوره‌ هم به صورت چند آیه‌ی کوتاه، به برخورد استدلالی مناظرات ابراهیم با اقوام خود دارد اشاره می‌کند.

#### تنها ماندن ابراهیم7 در شهر

بعد به اقدام عملی حضرت ابراهیم اشاره می‌کند. (**فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُوم**\* **فَقالَ إِنِّي سَقيم**‏)[[14]](#footnote-14) در تاریخ و روایات آمده است که مردم زمان ابراهیم که اهل بت‌پرستی یا ستاره‌پرستی بودند، عیدی داشتند و مراسم عید آن‌ها هم این بود که بت‌ها را رها می‌کردند و از شهر بیرون می‌رفتند و همه هم در این مراسم، شرکت می‌کردند. حضرت ابراهیم در یک موقعی که قرار بود همه‌ی مردم از شهر بیرون بروند، ایشان به دلیل بیماری که داشت - که به احتمال قوی نوعی مریضی داشت- عذر آورد و همراه جمعیت، به بیرون شهر نرفت. این که بیماری ایشان واقعی بود یا تمارض بود، مقداری روایات اختلاف دارد؛ ولی به احتمال قوی ایشان واقعاً کسالت داشتند. این کسالت، بهانه‌ای شد تا بیرون شهر نرود و در مراسم عید شرکت نکند و در شهر ماندگار شد.

**دو احتمال تفسیری، در نگاه کردن حضرت ابراهیم به ستاره‌ها**

(**فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُوم**‏)[[15]](#footnote-15) به ستاره‌ها کرد و گفت (**فَقالَ إِنِّي سَقيم** ‏)[[16]](#footnote-16) در این که به ستاره‌ها نگاه کرد دو احتمال هست دو احتمال هست. آن وقت پی بردن از طریق حواس از راه ستاره‌ها خیلی مورد رغبت و تمایل مردم بود و خیلی از آن‌ها هم باطل بود. حالا یا این که ابراهیم با علم الهی خود، از طریق آسمانی فهمید که بناست این طور شود یا این که بر اساس یک بیماری و می‌دانست در موقعی که مثلا وقت و زمان را از راه ستاره‌ها تشخیص می‌دادند ایشان، زمان را از طریق ستاره تشخیص داد. گفت آن موقعی که شما مراسم دارید و قرار است که از شهر بیرون بروید، من مریض هستم. بنابراین شما مرا رها کنید.

عید سنت جدی بود که همه شهر را ترک می‌کردند و بت‌خانه‌ها را تخلیه می‌کردند و خانه‌ها را رها می‌کردند و برای یک مدتی که معلوم نیست، از شهر بیرون می‌رفتند. ابراهیم که در جوانی بود و بعد از مدتی بحث و استدلال نتوانست مردم را از منطق غلط خودشان جدا کند و به سمت توحید آن‌ها را سوق بدهد، می‌بیند که نوبت اقدام عملی است. او موقع بیرون رفتن مردم، بهانه آورد و بیرون نرفت. (**فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرين ‏‏**‏)[[17]](#footnote-17) مردم هم عذر او را پذیرفتند و رفتند. جمعیت، ابراهیم را در شهر تنها گذاشت و خودشان برای اجرای مراسم عید، به بیرون شهر رفتند. اینجاست که حضرت ابراهیم در غیاب مردم و در خلوت شهر، بعد از بارها استدلال و مناظره، در برابر شرک و بت‌پرستی و ستاره‌پرستی، به سمت بت‌خانه رفت. بت‌ها در مرکزی جمع بود. از قرآن استفاده می‌شود که بت‌ها متعدد بودند. هم تعدد بت‌ها به خاطر این بود که اقوام و عشیره‌های مختلف، بت‌های مختلف داشتند و هم برای توسل به چیزهای مختلف، بت‌های مختلفی را ساخته بودند. برای هر نوعی از کار، به یک بت متوسل می‌شدند و بت‌ها را واسطه‌ی بین خود و خالق هستی قرار دادند.

#### حرکت به سمت بت‌خانه‌ی مرکزی و سؤال و جواب با بت‌ها

به سمت بت‌خانه رفت. (**فَراغَ إِلى‏ آلِهَتِهِمْ فَقالَ أَ لا تَأْكُلُون‏‏‏**‏)[[18]](#footnote-18) فرض می‌کند که این‌ها می‌فهمد. سوال می‌کند شما چیزی نمی‌خورید؟ چون مرسوم بود که وقتی بیرون می‌رفتند مواد غذایی را پیش بت‌ها می‌گذاشتند. فرض کرد که موجودات، چیزی می‌خورند. پرسید: چیزی نمی‌خورید؟ (**مالکم لا تَنْطِقُون ‏‏**‏)[[19]](#footnote-19) چرا حرف نمی‌زنید؟ (**فَراغَ عَلَيْهِمْ ضَرْباً بِالْيَمين ‏‏**‏)[[20]](#footnote-20) حضرت ابراهیم به سمت بت‌ها رفت. کلمه‌ی **یمين** به دست راست یا قدرت شدید یا به قسمی که بین مردم خورده بود، اشاره دارد. این سه احتمال در کلمه‌ی یقین هست. به‌هرحال به بت‌خانه رفت و با بت‌ها سخنی گفت؛ جوابی نیامد. با تبر یا هر وسیله‌ای که در آنجا بود، آن‌ها را در هم کوبید.

#### برگشتن مردم از مراسم عید و دستگیری ابراهیم7

(**فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّون ‏‏**‏)[[21]](#footnote-21) ‏بعد از مراسم مردم برگشتند و طبعاً به سمت بت‌ها رفتند. دیدند که بت‌ها شکسته شده و فقط یکی از آن‌ها مانده است. سراغ ابراهیم رفتند. در سوره‌ی ابراهیم ادامه‌ی داستان را می‌فرماید. مردم تحقیق کردند که چه کسی این جرم را مرتکب شده است. توجه‌ها به حضرت ابراهیم جلب شد که آن‌ها را مدت‌ها به توحید دعوت می‌کرد. گفتند یک شخصی به نام ابراهیم در برابر بت‌ها موضع می‌گرفت به همین خاطر سراغ ابراهیم رفتند و او را آوردند. (**قالَ أَ تَعْبُدُونَ ما تَنْحِتُون‏‏**‏)[[22]](#footnote-22) آیا این منطق است که شما این طور فکر و عبادت و ذهن خود را مشغول این خرافات کردید و این‌ها شما را از توجه به خدا بازداشته است. (**قالَ أَ تَعْبُدُونَ ما تَنْحِتُون‏‏**‏)[[23]](#footnote-23) خود شما این را ساخته‌اید و این را موردستایش قرار می‌دهید؟ این قابل‌قبول نیست. (**وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ ما تَعْمَلُون ‏**‏)[[24]](#footnote-24) ‏ خدا شما و دست‌یافته‌های شما را آفرید. همه‌ی چیزهایی که می‌بینید، آفریده‌ی خداست. شما خدا را رها کردید و به موجود حقیر پناه آوردید. این جریانی است که در سوره‌ی صافات این طور بیان می‌کند.

### همراهی مردم با حکومت، در سوزاندن ابراهیم7

در سوره‌ی انبیاء هم به صورت مفصل‌تر به مناظره‌ی حضرت ابراهیم اشاره می‌کند. در اینجا دو نکته‌ای وجود دارد این است که اولاً اقدام عملی ایشان بعد استدلال و مناظره بود. بعد از آن مدت در منطق دینی، اقدام عملی در مقابل گناه و شرک و بت‌پرستی، قابل‌قبول هست روی قواعد و ضوابطی که دارد و ابراهیم هم بعد از آن اقدام علمی و منطقی، در یک شرایط را مناسب دید که اگر این حجاب‌ها کنار برود، عمق وجدان انسان بیدار می‌شود. ممکن است که در عمل تسلیم نشود. سال‌ها استدلال‌های منطقی وجدان آن‌ها این‌ را می‌فهمیدند ولی در عمل ترتیب عمل ندادند. حالا هم ابراهیم بت‌ها را شکسته می‌گوید: بروید از بزرگ بت‌هایی که نمی‌توانند از خود دفاع کنند، سوال کنید. این‌ها به وجدان خود مراجعه می‌کنند می‌گویند: ابراهیم راست می‌گوید. این نکته‌ای بود که وجدان آن‌ها حاکم و داور خوبی بود که حق را به آن‌ها نشان می‌داد؛ اما آن‌ها حرف وجدان را نپذیرفتند و زیر بار قضیه نرفتند. پادشاه و اقوام گمراه دست‌به‌دست هم دادند (**قالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْياناً فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحيم‏**‏)[[25]](#footnote-25) همه‌ی این‌ها برنامه ریختند که ما به آخر خط رسیدیم و سال‌ها با استدلال و مناظره بوده و الان اقدام عملی کرده است. به همین دلیل برنامه‌ریزی کردند که ابراهیم را به آتش بی‌اندازند. (**قالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْياناً فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحيم‏**‏)[[26]](#footnote-26) می‌گوید: یک ساختمان و بنایی بسازیم و او را در آتش خشم خودمان بی‌اندازیم. (**قالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْياناً فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحيم‏**‏) نشان می‌دهد که تمهیدات مفصل و مقدمات فراوانی فراهم کردند که ابراهیم را بسوزانند و این نشان می‌دهد که بعضی از تواریخ می‌گوید: چندین ماه هیزم جمع می‌کردند و جای بلندی را ساختند و خیلی مفصل برنامه‌ریزی کردند که ابراهیمی که سال‌ها در برابر او مقابله کرده را بسوزانند. (**فَأَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَسْفَلين**‏)[[27]](#footnote-27) این هم بخش دیگری از زندگی حضرت ابراهیم است که اول استدلال و مناظرات زیاد و بعد اقدام عملی و در مرحله‌ی بعد،تصمیم بر سوزاندن ابراهیم است. خدا می‌فرماید: همه‌ی آن‌ها مقدمات زیادی چیدند؛ اما ما آن‌ها را کوچک قراردادیم. کسی که به خدا دل بسپارد و به خدا متصل باشد، کسی که خود را وقف خدا کند قطعاً خدا او را کمک خواهد کرد. (**فَأَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَسْفَلين** ‏) ‏ آن‌ها خیلی کارکردند؛ ولی ما آن‌ها را کوچک قراردادیم. ادامه‌ی بحث، در خطبه‌ی بعد خواهیم گفت. خدایا ما را ادامه‌دهنده‌ی راه پیامبران بزرگ خودت قرار بده.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[28]](#footnote-28)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب‌العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[29]](#footnote-29) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری و ذکر و یاد خدا در همه‌ی حالات، دعوت می‌کنم. همه‌‌ی ما در روز جمعه باید خود را نسبت به عالم آخرت و پشت کردن از این عالم، متذکر سازیم و تلاش کنیم از موقع روز جمعه و برنامه‌های عبادی شب و روز جمعه، برای به‌سازی روان و درون خود و برای توبه‌ی خطاهای طول هفته اقدام و تلاش کنیم و از این مواقع و ایام، برای سلامت اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی خود، استفاده ببریم. ان‌شاءالله خداوند همه‌ی ما را در اقدام‌های خیر و نیک و در ذکر و یاد خود توفیق هرچه بیشتر، عنایت بفرماید. دو نکته در این خطبه مورد توجه قرار می‌دهیم.

## شهادت نواب صفوی و یاران

اولین مورداشاره‌ای است به شهادت مرحوم نواب صفوی و یاران او که در این هفته واقع شده است. این عزیزان در سال 1334 هجری شمسی، به خاطر اقدام‌هایی که در برابر رژیم ستم‌شاهی داشتند، به شهادت رسیدند و به دلیل اختناقی که در آن زمان به جامعه‌ی ما حاکم شده بود، این فرزندان رشید اسلام، مجبور شدند دست به سلاح ببرند و در دفاع از اسلام و این کشور اسلامی، اقدام عملی کنند.

### توجیه دینی اقدام عملی نواب

البته نوع آن اقدام، مورد تأیید علمای بزرگی بود. در آن زمان وقتی که حکومت الهی و دینی نباشد، طبعاً آن نوع حرکت و اقدام قابل‌قبول است. شرایطی که حکومت اسلامی نباشد و ملتی تحت‌فشار باشند، در آن شرایط ممکن است اقدام‌هایی را توجیه کند؛ بلکه بسیار مفید و مؤثر قرار بگیرد. این در دنیا هم منطقی است این نظیر همان است که وقتی که فلسطینی‌ها را مورد تجاوز قرار می‌دهند، حق دفاع برای آن‌ها محفوظ است که به هر فرصتی که می‌رسند از خود و کیان کشور و ملت خود دفاع کنند. فرزندان بزرگ اسلام، مرحوم شهید نواب صفوی و یاران او، از این افراد بودند. در زمانی که کشور ما زیردست‌وپای استعمار خارجی و استبداد داخلی دست‌وپا می‌زد و همه‌ی حیثیت و عزت و شرف ملی و دینی ما را به بازی گرفته بودند، این فرزندان اسلام در آن تاریکی، با شهادت خود نورافشانی کردند و راه مبارزه‌ی با ظالمان و ستم‌کاران را زنده نگاه داشتند.

### استقبال نواب و یاران از شهادت با روی گشاده

مرحوم شهید نواب، از رجال نادر عصر ما بود. با این که در جوانی به شهادت رسید، کلام او، نفوذ سخن و شجاعت و درایت او از امور مثال زدنی در کشور ماست. به‌هرحال آن‌ها با تمام شجاعت در برابر ستم ستم‌کاران ایستادند و با لبان خندان، به استقبال شهادت رفت. در تاریخ هست که آن‌ها در آخرین لحظات هم که آماده‌ی مرگ می‌شدند، نماز خواندند و شوخی می‌کردند و با قلبی آرام و با کمال رشادت و شجاعت، گام‌های استوار به سمت شهادت برداشتند و با آغوش باز، از مرگ و شهادت در راه خدا، استقبال کردند. این روحیه، روحیه‌ی بسیار ارزشمندی است که در آن زمان، در کشور ما درخشیدند و البته همین روحیه در سال‌های انقلاب و دفاع مقدس، در جمع زیادی از جوانان برومند ما، متجلی شد. روحیه‌ای که نهایتاً کشور ما را در استعمار خارجی پیروز کرد و انقلاب شکوهمندی را آفرید و نهایتاً در یک دفاع طولانی، از حقوق این ملت دفاع کرد. این روحیه‌ی شهادت خواهی و حس دین‌خواهی بود که جامعه‌ی ما را از آن مهلکه‌ها رهانید. در هر حال ما به روان و روح پاک همه‌ی شهیدان، بخصوص این شهیدان، درود می‌فرستیم و البته در زمانی که حکومت الهی نباشد، آن نوع اقدام پسندیده و شایسته بود و راه درستی بود که رفتند و در زمان حکومت اسلامی، باید با روش‌های دیگری اقدام شود.

### اهمیت زنده نگه‌داشتن حس دینی در جامعه

در هر حال آنچه مهم است، حس دینی و تعهد اخلاقی در جامعه است. حتماً ما باید این حس و روحیه‌ی دینی را در جامعه زنده نگه‌داریم. این برای یک جامعه بسیار ناپسند است که فحشا و منکر و اشتباه، رواج پیدا کند و از خلاف بیافتد و حساسیتی در جامعه نداشته باشد. این خیلی بد است. متأسفانه گاهی می‌شنویم برخی از مظاهر عفت عمومی و اخلاق اجتماعی، درملأعام زیر پا گذاشته می‌شود. واقعاً دل آدم را می‌سوزد و هرکسی که دلش به جامعه می‌سوزد، باید حساس باشد. ما باید یک جامعه‌ای باشیم که در برابر گناه و معصیت، حساس باشیم. این حساسیت دینی، نباید از میان ما برود. من نمی‌خواهم بیشتر وارد جزئیات شوم. ما باید به روش‌ها باید توجه کنیم ولی این که بشنویم در شهری، درملأعام مقررات اصیل اسلامی و قوانینی که پاسدار حریم عفت عمومی است، زیر پا گذاشته شود، برای آن جامعه زشت و تلخ است. من این نکته را نمی‌خواهم بازکنم و آدمی هم نیستم که سخت‌گیر باشم و خشک با قضایا برخورد کنم؛ اما متأسفانه باید بگویم که چیز زیادی نیست ولی کم آن نیز خیلی سوز دارد. ما گزارش‌هایی داریم که در این شهر و استان، شایسته نیست. من خواهشم از مردم این است که به این مسائل، حساس باشند و تأکید می‌کنم که باید روش و برخورد درست و صحیح باشد. اگر برخورد قهرآمیز هست باید مراتب قانونی انجام بدهند. اصلاً دین به کنار، عفت و اخلاق عمومی، آینده‌ی فرزندان و سلامت روحی و روانی جامعه، برای ما ارزش دارد. نباید به خواب رفت. مادران و پدران، خانواده‌ها باید بیدار و هوشیار باشند. چند مورد از وقایع برای من گزارش‌شده و محرز هست و نمی‌توانم درملأعام آن را بگویم؛ اما واقعاً خیلی تلخ است و آدم را رنج می‌دهد و قلب انسان را به درد می‌آورد. در مجلس جشن و عروسی، یک وقایعی گاهی گزارش می‌شود که قابل‌قبول نیست.

### مردم، اصل اولی در زنده نگه‌داشتن حس دینی

اصل داستان هم این است که خود شما مردم، همین کسانی که تعهد دینی دارید و اهل جمعه و جماعت هستید. البته همه این طور هستند و یکی بیشتر و یکی کم‌تر. این غیرت دینی خود را حفظ کنید. خانواده‌ها در برابر حرکاتی که خلاف شرع می‌بینند، حساس باشند و بگویند. همین مشکلات را حل می‌کند. ما گاهی این نوع حوادث را می‌بینیم و باید پاسدار خون شهیدان باشیم و تلاش کنیم حریم عمومی جامعه، از خلاف مصون باشد. همان‌طور که باید ادارات ما از رشوه و برخورد با مردم و بی‌توجهی به درد‌های مردم، حساس باشند؛ هر مسئول و کارمند اداری، باید ناظر دیگری باشد. دستگاه‌های نظارتی جدا باید نظارت داشته باشند که رشوه و زیر پا نگه‌داشتن حقوق مردم، رواج پیدا نکند، همان‌طور عموم جامعه و خانواده‌ها در برابر فساد و شیوع انحراف و معصیت و گناه، حساس باشند. این‌ها ارکان عفت عمومی و سلامت جامعه‌ را تهدید می‌کند. زنگ‌های خطر به صدا درآمده و باید هوشیار و بیدارباشیم و از شهدا و خون آن‌ها و آرمان‌های انقلاب و اسلام، دفاع کنیم و همه‌ی این‌ها را کنار بگذاریم. بالاخره در یک جامعه، حداقل ارزش‌های دینی باید رعایت شود. امیدواریم که کسانی که خداوند کسانی را هم که به خطا می‌روند را نیز متنبه کند. البته من اینجا تأکید می‌کنم که در نظام دینی، برخورد عملی، با مراکز قانونی است. اما عرض بنده این است که مردم حساسیت داشته باشند و با روش درست هم اقدام کنند. اگر برخورد صحیح باشد و تا آخر هم تحمل‌کنیم و به‌جایی که رسید، اقدام عملی کرد. همان‌طور که حضرت ابراهیم آن کارها را کرد. باید روش‌های صحیح و متناسب با اقتضائات زمان باید باشد ولی باید غیرت و احساس دینی ضعیف نشود. این یک مطلب است که ان‌شاءالله موردعنایت شما عزیزان و اهل نماز و جمعه باشد که خود شما در هر جا، نگهبان عفت عمومی و اخلاق الهی و اجتماعی و انسانی در ابعاد مختلف، باشید. قطعاً الطاف خدا، با توجه به این معیارها و ارزش‌ها به سمت ما جلب خواهد شد. این نکته‌ی اول بود که در ذیل یاد و خاطره‌ی شهدای بزرگ این ایام و شهید نواب را این تذکر هم لازم بود که عرض کنم.

## طرح اکرام کمیته‌ی امداد

نکته‌ی بعدی هم، اشاره به طرحی است که کمیته‌ی امداد دارد. من در اینجا می‌خواهم در این رابطه صحبت کنم. برادران در کمیته‌ی امداد طرحی با عنوان طرح اکرام دارند. این طرح، کارش این است که یتیمان نیازمند یک شهر و منطقه و کشور را به نحوی تحت پوشش قرار می‌دهند و از رنج‌ها و دردهای آن‌ها بکاهند. اصل طرح هم این است که کمیته برای کسانی که استحقاق دارند، اقدامات حداقلی انجام می‌شود. افراد شناسایی‌شده‌اند که البته محرمانه است و اصل در قضیه هم این است که حریم و احترام و محروم، باقی بماند. هیچ‌چیزی مانند آبروی یتیم و نیازمند نیست و خود آن‌ها نیز نباید آبروی خود را گرو بگذارند. بیشتر از همه، جامعه موظف است که در مورد این نوع محرومیت‌ها، حساس باشد و به‌قدر توان، اقدام کند. قریب 200 مورد از ایتام و خانواده‌های یتیم در شهر وجود دارد. البته آمار خانواده‌ی یتیم بیشتر است و این آمار کسانی است که نیاز بیشتری به کمک دارند، حدود 150-200 نفر است. قرار این طرح این است که محرمانه و آبرومندانه، برای هر خانواده‌ی یتیم حسابی باز می‌شود و هر فرد، حداقل 5 هزار تومان در ماه سهیم می‌شود و برای یتیم، کمک می‌کند. این کار ارزشمندی است. حدود 20-30 مورد از این خانواده‌ها تحت پوشش این طرح هستند. خیلی کار آبرومندانه‌ای است. ممکن است که نام یتیم را هم ندانند که با کمک کمیته انجام می‌شود. 20 -30 مورد افراد خیری پیدا شدند که از یک مورد تا چند مورد را تحت سرپرستی خود قرار دادند. ما حدود 130 نفر افراد یتیم داریم که با این طرح، می‌خواهیم تکریم شوند. من اینجا تقاضا می‌کنم از کسانی که تمکن مالی دارند، مثلا به مدت یک سال یک یا چند مورد را به عهده بگیرند. اگر هم نمی‌توانید مبلغ این طرح باشید. امیدوارم که در این شهر 130 مورد باقی‌مانده از خانواده‌های ایتام را تحت این پوشش دربیاوریم و به شکل آبرومندانه، کمک شود. البته بعد از ماه مبارک، در مناطق مختلف، مردم تشکیلاتی دارند، برنامه‌هایی برای رسیدگی به مستندان دارند که این طرح هم مثل همان طرح‌هاست منتها ناظر به ایتام است و ان‌شاءالله به کمیته مراجعه کنند. آن برنامه طراحی و شناسایی‌شده است. 20 -30 مورد هم عملی شده که بقیه موارد هم با همکاری شما مردم، حل می‌شود و هر کس می‌تواند انجام دهد که خودش و اگر نمی‌توانید، زبان خیر داشته باشید که کمتر از کمک کردن نیست. حتماً لازم نیست که همیشه دست‌به‌جیب باشیم؛ شاید نتوانیم اما این که به دنبال کار باشیم، خیلی ارزش دارد. با توجه به انجام کارهای خیر و برنامه‌ریزی برای کارهای خیر، اقدام عمل برای کارهای خیر داشته باشیم و بدانیم که از اصل کار خیر کمتر نیست.

من خواهشم از عزیزان این است که اولاً هرکسی به اقوام و محله‌های خود کمک کند. موسسه‌ی خیره تشکیل بدهند که سازمان بهزیستی هم حمایت می‌کند. علاوه بر این شما مبلغ حل مسئله‌ی ایتام باشید. جامعه‌ای که یتیم نیازمندی داشته باشد و مردم آن جامعه خواب باشند، خیری نمی‌بیند. این سفارش امیرالمومنین7 است که فرمود مراقب ایتام باشید. تبلیغ کنید و افرادی را تحت پوشش قرار بدهید که با یک‌همت عمومی این افراد باقیمانده هم حل می‌شود. امیدواریم که این سخنان منشأ خیری شود که ما در شهر خود، ایتام بی‌سرپرست، بخصوص ایتامی که فرزند دانش‌آموز دارند را نبینیم. کاری کنیم که استعداد این‌ها هرز نرود ما واقعاً مسئول هستیم و باید جوابگو باشیم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[30]](#footnote-30)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی 51. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی 52. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی 56. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی 56. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی 57. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 83 و 84. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 84. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 85. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 86. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 87. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 88 و 89. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 88. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 89. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 90. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 91. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 92. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 93. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 94. [↑](#footnote-ref-21)
22. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 95. [↑](#footnote-ref-22)
23. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 95. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 96. [↑](#footnote-ref-24)
25. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 97. [↑](#footnote-ref-25)
26. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 97. [↑](#footnote-ref-26)
27. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 98. [↑](#footnote-ref-27)
28. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-28)
29. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-29)
30. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-30)